

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

اول اگست ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۰۴

مُقَطَّعات

- ۵ -

بر مراد آهنگ آن دارم، که از نام تو، من^۱
لشکری از خیل طبع آراسته ستم، بی کران
لب قلیب^۲ جنگ ناید از سپه چون نیست گنج
در ولایات معنای باج گیرم از ولات^۳
چون فلک در وقت سیر و چون زمین گاه اثبات
گنج خواهم از تو، گنج زر نه، بل گنج لباب^۴

* * *

خسروا! دریا کفا! مداح اوصافت، شهاب
زان، که درگاه کریمان بر رخ کس بسته نیست
بهر طوف کعبه خدمت، ستاده بر در است
لیک رخصت جُستن^۵ از روی ادب نیکوتر است

^۱ این مصراع در دیوان «مراد؟ آهنگ آن دارم، که نام تو من» آمده است، که کمبود چند هجا دارد و مصحح آن را چنان که در بالا آمده است، چنین تصحیح کرد: «بر مراد آهنگ آن دارم، که از نام تو، من»
^۲ "ولات": (بر وزن "فضات) کلمه عربی و جمع "والی" ست، که معنای "فروانروا" را دارد.
^۳ این مصراع مترتب بر دید همان زمان است، که زمین را ثابت و آسمان را متحرک و دوار می پنداشتند. نامگذاریهای "آسمان(آسه مان)" و "فلک" و "چرخ" و "چرخ فلک" و "گردون" و "گردون گردان" همه مفهوم متحرک و دورانی بودن آنها را می رساند.
^۴ "قلیب": (بر وزن "قریب") کلمه عربی و در معنای "معکوس" و "مقلوب"، چنان که "جنگ" معکوس "گنج" است
^۵ "لباب": (به ضم اول) کلمه عربی ست و در معنای "لب" و "منتخب" و "زیده"؛ و ترکیب "لب و لباب" بر همین مفهوم استوار است.
^۶ "رخصت جُستن" درین مصراع در معنای "اجازه گرفتن" است